

## تأثیر رفتار قضات در پیشگیری از جرم

آرمان رشیدیان<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شهر کرد

### چکیده

مطابق بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان به عهده قوه قضائیه نهاده شده است اما قانونگذار مشخص نکرده است که کدام نوع از پیشگیری را مدنظر داشته است و به صورت کلی این وظیفه را به قوه قضائیه واگذار کرده است و دستورالعمل اجرایی آن در قوانین ما مشخص نیست. جامعه ما دچار بیماری مزمن کثرت جرایم و تخلفات شده است که حاصل آن افزایش سال به سال و حتی روز به روز پرونده ها در دستگاه قضایی و وارد آمدن فشار بیش از حد به قوه قضائیه است. وجود میلیونی پرونده ها و شکل گیری جرایم و تخلفات متعدد از بیماری سیستم حقوقی و جزایی و ضعف دستگاه های اجرایی حکایت دارد و همه دلسوزان نظام باید به دنبال چرایی این مسأله و پیشگیری از آن باشند و دستگاه قضایی را در این زمینه کمک کنند. در این راستا باید با رویکرد بهداشت قضایی، سلامت حقوقی و اصلاح مبادی ورودی جرایم، از وقوع جرم جلوگیری و از اصلاح ساختارها و تکنیک های پیشرفته روز دنیا استفاده کرد. از همان ابتدای تدوین قانون اساسی، خبرگان قانون اساسی اختلاف نظرهایی در مورد واگذاری مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم به قوه قضائیه داشته اند و عده ای معتقد بوده اند که قوه قضائیه بدون همکاری قوه ی مجریه نمی تواند در امر پیشگیری از وقوع جرم حرکت قابل توجهی انجام دهد. در این مقاله سعی بر آن شده است که اقسام پیشگیری از جرم و وظایف قوه قضائیه در این خصوص و همچنین رفتار قضات مورد بررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** پیشگیری از جرم، رفتار قضات، قوه قضائیه

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: moalem.izeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۸

#### مقدمه

از روزی که بشر به عرصه گیتی پا گذارد، جرم را نیز با خود به این دنیا آورد، قایل، قاتل برادر به عنوان اولین مجرم، خود را به جهانیان معرفی کرد. جرم پدیده ای اجتماعی است و بالطبع با وجود جوامع بشری، وجود خواهد داشت. انسان با هدف اجتماعی زندگی کردن بناچار از برخی از حقوق طبیعی خود از قبیل آزادی کسب مال، قتل و خونریزی، امور جنسی و ... دست برداشت تا در کنار زندگی اجتماعی، متجاوزان به حقوق مالی را سارق و کلاهبردار، مجرمان جانی را قاتل و جنایتکار و مجرمان جنسی را متجاوز و زناکار بنامد و مجازات کند.

پیشگیری از جرم تقریباً پیشینه ای برابر با جرم دارد. مطالعات زیادی در مورد عوامل مؤثر بر جرم و راه های پیشگیری از آن انجام شده است. شناخت اجتماع، شناخت انسان و نیازمندی های او، شناخت جاذبه ها و دافعه های جرم، شناخت فرهنگ و تأثیراتی که فرهنگ های مختلف می توانند در هنجارهای یکدیگر داشته باشند، تأثیر مجازات و پایش بعد از آن، آموزش، اقتصاد و سیاست های اتخاذ شده قوای کشور و بسیاری از عوامل دیگر می تواند در میزان ارتکاب و یا پیشگیری از جرم نقش مؤثری ایفا کند. همین موضوع انواع مختلف و گوناگونی را برای این امر به وجود آورده است. به رغم شناخت جایگاه و اهمیت پیشگیری از جرم و با علم به اینکه پیشگیری از درمان بهتر است، کشور تا کنون از متولی مشخص و قانونمندی با توجه به تمام ابعاد و اقسام پیشگیری از جرم، محروم بوده است. همان گونه که اشاره شد، جرم محصول اجتماع است و به همین دلیل، نگرشی یک بعدی و صرفاً کیفری نمی تواند چشم انداز همه جانبه و مناسبی از این پدیده به وجود بیاورد.

محدوده اقدامات پیشگیرانه از جرم تا قبل از انقلاب به پیشگیری های انتظامی ختم می شد که شهربانی و ژاندرمری سابق به عمل می آوردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان هنگام تصویب قانون اساسی، مسئولیت این امر را به قوه قضاییه سپرد. در کنار قوه قضاییه، سازمان هایی عمدتاً از قوه مجریه، طبق قوانین عادی، مسئولیت پیشگیری از جرم را به عهده گرفتند. اعتقاد بر این است که محدوده پیشگیری از جرم توسط قوه قضاییه، اعمال توسط دادگاه های دادگستری است. طبیعی است که قوای دیگر کشور منصرف از اقدامات قوه قضاییه، به امر پیشگیری از جرم بپردازند.

پیشگیری از وقوع جرائم از وظایف قضایی نیروی انتظامی است و در قانون ناجا بند ۸ ماده ۴ انجام وظایفی که قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول شده است، از قبیل مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق کالا، پیشگیری از وقوع جرائم، کشف جرائم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و جرم، دستگیری متهمان، مجرمان و جلوگیری از فرار و پنهان شدن آن ها و ابلاغ احکام قضایی مورد تأکید قرار گرفته است. در سازمان و تشکیلات ناجا توجه به پیشگیری از وقوع جرائم در جهت تحقق هدف اصلی آن «که همان استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است» بوده و جایگاه بسیار مهمی دارد.

#### اقسام پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم به پیشگیری های سه گانه، پیشگیری کوتاه مدت و بلند مدت، پیشگیری کیفری و غیر کیفری، پیشگیری عام و خاص، وضعی و اجتماعی تقسیم شده است.

#### - پیشگیری اولیه

این پیشگیری شامل مجموعه اقدامات، سیاست ها و برنامه هایی است که سعی در تغییر و کنترل شرایط جرم زا و محیط دارد. در این مرحله تلاش بر این است که افراد جامعه به سوی جرم گرایش پیدا نکنند. این سطح از پیشگیری، مستلزم کاهش فرصت های جنایی بدون اشاره به متهم است. هدف در این سطح پیشگیری، بهبود وضعیت زندگی به منظور عدم مجرمیت

افراد، هم چنین تولید ارزش هایی است که روابط سالم را بهبود می بخشد. در این نوع پیشگیری، اجتماع به عنوان یک کل و در برگیرنده تدابیری به همراه عناصر آموزشی اجتماع است. در این پیشگیری توجه بیشتر به رویداد جرم معطوف است تا مجرم تحریک شده.

### - پیشگیری ثانویه

این نوع پیشگیری در جهت کنترل افراد خاصی متمرکز است که در معرض بزهکاری قرار دارند. کنترل بزهکاری اطفالی که در معرض بزهکاری هستند و مصرف مواد مخدر تفریحی، پیشگیری ثانویه خواهد بود. می توان گفت با به کارگیری تدابیر مناسب و با رویارویی های زودهنگام از وقوع جرم افرادی که در وضعیت بحرانی به سر می برند و احتمال بزهکاری آن ها وجود دارد، پیشگیری می کند (رجبی پور، ۱۳۸۳).

در مجموع این نوع پیشگیری از پیش بینی در باب یک وضعیت جرم زا متأثر است و هدف آن نظارت بر گروه های خارجی است که ترس ارتکاب جرم از سوی آن ها می رود و در معرض مجرم شدن هستند.

### - پیشگیری ثالث

این پیشگیری، جلوگیری از تکرار جرم و بازسازی مجرمان است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷). در این موقعیت، تمرکز بر خدشه دار کردن مقام و حرفه مجرمان و یا کاهش شدت و اهمیت بزه مثل درمان مجرمان شناخته شده است (هیوز، ۱۳۸۰). این نوع پیشگیری شامل برنامه هایی از قبیل مشاوره برای زنان و کودکان، و تلاش پیشگیرانه در این مرحله برای جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است تا مجرمان اصلاح و با اجتماع خود سازگار شوند و به ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا نکنند. این پیشگیری ناظر بر اقدامات بعد از وقوع جرم است و بناچار در چارچوب جرم شناسی پیشگیرانه قرار نمی گیرد در صورتی که فعالیت ها و اقدامات پیشگیرانه در پیشگیری اولیه و ثانویه در حیطه این نوع جرم شناسی خواهد بود.

### - پیشگیری کوتاه مدت

مجموعه راهکارهای کوتاه مدت برای پیشگیری خواهد بود. روشنایی بیشتر خیابان ها و گذرگاه های معابر عمومی، تدوین قوانین متناسب و بازدارنده، ایجاد مؤسسات مددکاری، ایجاد فضاهای مناسب فراغت، از بین بردن محله ها و اماکن جرم زا، کنترل برنامه های سیما از لحاظ میزان خشونت، می تواند از این نوع پیشگیری باشد. در برخورد با مسائل اجتماعی و فرهنگی نمی توان به دلیل برنامه ریزی های اصولی و درازمدت از اقدامات مقطعی کوتاه مدت غافل ماند. هدف از برنامه های کوتاه مدت، اقدامات پیشگیرانه سریع و ضربتی در جهت کنترل و مهار جرم است تا بستر و زمینه های برنامه ریزی فراهم شود.

### - پیشگیری بلندمدت

پیشگیری بلندمدت به ساز و کارهایی اطلاق می شود که در یک فرایند زمانی مدت دار صورت می گیرد تا در آینده فرصت های وقع جرم را کاهش دهد. فراهم کردن بسترهای مناسب برای دسترسی افراد به آموزش و پرورش، تدوین سیاست کلی ایجاد اشتغال، تقویت نقش پیشگیرانه مدارس از طریق ارتقای محتوا و کیفیت برنامه های آموزشی و تربیتی، کاهش شکاف طبقاتی و اقتصادی در اقشار جامعه از این نوع پیشگیری است. این نوع پیشگیری، سرمایه گذاری در راه هایی است که هدف آن جلوگیری از ایجاد مسائل و مشکلات است. از جمله رویکردهای پیشگیرانه بلندمدت، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی است.

این پیشگیری بویژه بر مشارکت و همکاری عوامل و گروه هایی مبتنی است که در موقعیت جرم زا مسئولیت دارند. این عوامل و گروه ها، شامل مسئولان برنامه ریزی و توسعه، خانواده، بهداشت، استخدام، مسکن، خدمات اجتماعی، اوقات فراغت، مدارس، پلیس و ... و دیگر مراکز قضایی هستند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

### - پیشگیری کیفری

این نوع از پیشگیری بر پایه ارعاب و عبرت آموزی فردی و جمعی و منصرف ساختن بزهکار آینده از جرم استوار است. توسل بر کیفر و مجازات های سخت از ویژگی های دیرینه سیاست کیفری جوامع برای ایجاد رعب و وحشت در افراد مستعد بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم است. این رویکرد از زمان تشکیل اجتماعات بشری تا امروز، حول محور این توجیه، که کیفر باید موجب تنبیه و بازدارندگی مجرم و تنبه بزهکاران شود، چرخیده است (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

به طور کلی در تعریف پیشگیری کیفری می توان گفت، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که هدف از آن، کاهش بزه و جرم، ترس و ارعاب در مجرمان برای تکرار نکردن جرم های بعدی، جلوگیری از مجرم شدن مجرمان بالقوه، تأدیب افراد جامعه بویژه مجرمان با هدف افزایش نظم و امنیت عمومی و فردی، کاهش انگیزه ها و فرصت های مجرمانه در افراد جامعه، دفاع از حقوق قربانیان جرم در چارچوب قانون است. این نوع پیشگیری، گر چه به تنهایی پاسخگوی نیازهای اجتماعی و امنیتی جامعه نیست، با ادغام زمینه های پیشگیرانه غیرکیفری از جرم و استفاده از هر دو عناصر در کنار هم می تواند عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در جامعه را فراهم سازد.

اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفری مورد نظر است، اصلاح بزهکار از طریق آموزش و پرورش، اعمال مجازات سلب آزادی، و ... حمایت از جامعه از طریق تربیت بزهکار و همچنین طرد بزهکار از جامعه، ارعاب بزهکار و ارعاب دیگران برای ارتکاب بزهکاری است.

### - پیشگیری غیر کیفری

بررسی پدیده بزهکاری و مطالعه روی بزهکاران، رابطه علیت را بین جرم و بزه ارتكابی و علل و عوامل موثر بر آن اثبات می کند. جرم شناسان می گویند: هر نوع وضعیت و موقعیت جسمانی، روانی و اجتماعی و ... که می تواند در پیدایش و یا افزایش جرم نقش داشته باشد، عاملی جرم زا است؛ هر چند این تأثیر مطلق نیست و در تمامی موارد قطعیت تمام ندارد (کی نیا، ۱۳۷۶). پیشگیری غیرکیفری، جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمان با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد؛ به عبارت دیگر پیشگیری غیرکیفری در صدد است علل و عوامل و ریشه های زمینه ساز بروز جرایم و بزهکاری را از طریق توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد به طوری که انسان هایی پرورش یابند که از مجرمیت به دور باشند.

به هر ترتیب جامعه باید در راستای تأمین آرامش و امنیت خود، تمامی اقدامات لازم را به عمل آورد. از طرفی بهترین روش برای تأمین امنیت و ارتقای آن، پیشگیری قبل از وقوع جرم است. به همین منظور، جامعه موظف است از تمامی روش های پیشگیرانه استفاده کنند. چون به همان میزان که ضرورت استفاده از پیشگیری کیفری در جامعه به اثبات رسیده، استفاده از پیشگیری غیرکیفری نیز اجتناب ناپذیر و ضروری است؛ این دو مکمل یکدیگر است. پیشگیری غیرکیفری با هدف کلی «علاج واقعه قبل از وقوع» تأکید دارد که قبل از تحقق جرم براحتمی می توان با تغییر شرایط و رفع علل و عوامل از وقوع آن جلوگیری کرد.

### - پیشگیری وضعی

در این نوع پیشگیری توجه به عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، که باعث سوق دادن فرد به سوی بزهکاری می شود، اهمیت فراوان دارد. این پیشگیری در واقع، درمان ریشه ای قبل از وقوع جرم است. راهکارها خارج از چارچوب دستگاه عدالت مورد بررسی قرار می گیرد (میرخلیلی، ۱۳۷۸).

در این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکاری، نوع جرم، اهداف و موضوعات جرم و ویژگی های بزه دیده، اقداماتی به اجرا گذاشته می شود که فرایند آن ها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم خواهد شد.

کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی با طراحی ساختمان و محله ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه تر شدن اعمال مجرمانه می شود، همراه است (نجفی توانا، ۱۳۸۲). پیشگیری وضعی از وقوع جرم با «کاهش موقعیت ها» سر و کار دارد؛ شامل از بین بردن کامل برخی از خطرهای، کاهش بعضی از خطرهای با کاستن دامنه خسارت وارد شده، کاهش برخی خطرهای با اقدامات امنیتی مثل تلویزیون مدار بسته، انتقال برخی از خطرهای مثل بیمه و پذیرفتن برخی خطرهای که اجتناب ناپذیر است و یا رفع آن هزینه های غیرقابل تحملی را تحمیل می نماید (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه وجود همزمان میل و انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم، مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب و وجود موقعیت برای ارتکاب جرم ضروری است به نظر می رسد مبارزه با پیش شرط های اول و دوم عملاً غیرممکن است به دلیل اینکه در مورد اول همه مجرمان شناخته شده نیستند تا میل و انگیزه آن ها قابل شناسایی و سرکوب باشد و عامل دوم نیز به علت استفاده از ابزارهای گوناگون و متفاوت در ارتکاب جرم، عملاً ممنوع کردن همه آن ها را غیر ممکن می سازد و باعث تعطیلی بسیاری از صنایع مشروع می گردد؛ بنابراین، عملی ترین برخورد، کاهش موقعیت است. پیکا، پیشگیری وضعی را ناظر بر تدابیری می داند که فرصت ها و مناسبت های ارتکاب جرم را کاهش دهد و زمینه های ارتکاب جرم را مشکل تر نماید (پیکا، ۱۳۷۶).

بر همین اساس کلارک در کتاب خود تحت عنوان «پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم»، پیشگیری وضعی را شامل اقداماتی برای کاهش موقعیت های جرم می داند و شیوه های آن را به چهار دسته: افزودن بر میزان تلاش لازم برای رسیدن به هدف، افزودن بر خطر ارتکاب جرم قبل از دستگیری، کاستن از دستاوردهای مورد انتظار جرم و حذف دستاویزهایی که مجرمان می توانند برای فراز از مسئولیت به آن ها استناد کنند، تقسیم نموده است (کلارک، ۱۹۹۷). مدل پیشگیری وضعی به مجرم به عنوان محاسبه گری خردگرا نگاه می کند (راک، ۱۹۸۹). ریموندگسن نیز در این خصوص معتقد است هدف نهایی پیشگیری وضعی، تحدید موقعیت ارتکاب جرم است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲).

### - پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل مجموعه اقدامات پیشگیرانه از جرایم است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی است که در تکوین جرم مؤثر است. این نوع پیشگیری بر مبنای علت شناسی جرایم استوار است و با دخالت در محیط های اجتماعی مانع از شکل گیری انگیزه های بزهکارانه و خنثی سازی عوامل جرم زا می شود (شاکری، ۱۳۸۲). در واقع در تدابیر پیشگیری اجتماعی، نقش خانواده، آموزش، وسایل ارتباط جمعی و سیاست های کلی اجتماعی بسیار اهمیت دارد. به طور کلی می توان گفت که در این نوع پیشگیری با رویکرد کلان به عوامل بروز بزهکاری از قبیل فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توجه و با توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در جامعه از بروز بزهکاری جلوگیری می شود (زینالی، ۱۳۸۱).

در پیشگیری اجتماعی بر ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی که به اصلاح جامعه و فرد و هم چنین به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی منجر می شود. در این نوع پیشگیری، هدف هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی، و محور اقدامات در پیشگیری (فرد) است؛ به عبارت دیگر، پیشگیری اجتماعی همانند پیشگیری کیفری، مجرم مدار و فرد مدار است در حالی که پیشگیری وضعی، بزه دیده مدار و آماج مدار است. نکته مهمتر این است که پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه در صدد است تا معیار شناخت رفتار خوب و بد را به فرد القا کند و قدرت ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

این پیشگیری از اقداماتی تشکیل می شود که بر انواع محیط های پیرامون فرد تأثیر می گذارد. تمام این محیط ها در فرایند جامعه پذیری فرد نقش دارد و دارای کارکردهای اجتماعی است. هر یک از محیط های خانه، مدرسه، دانشگاه، دوستان، همسالان و ... در یک مقطع زمانی بر فرد اثر مستقیم و بیشتر دارد و فرایند جامعه پذیری را آسان می کند. لذا تلاش می شود که با اجرای برنامه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آن ها و درمان نارسایی های اجتماعی و افزایش ارزش

های اجتماعی و اخلاقی، وضعیت یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان بالقوه ارتقا یابد و این روند به کاهش میزان جرم بینجامد. البته به دلیل گستردگی و پیچیدگی موضوع، ممکن است به رغم سرمایه گذاری هنگفت و کلان، نتیجه مورد نظر در کاهش جرم حاصل نیاید (صادقی، ۱۳۸۲).

پیشگیری اجتماعی را به پیشگیری جامعه مدار، که در پی خنثی سازی عوامل جرم زا در محیط اجتماعی است و پیشگیری رشد مدار تقسیم کرده اند که سعی دارد چنانچه کودکی به هر دلیلی از خود مظاهر بزهکاری را بروز دهد با مداخله زودرس در وی و محیط پیرامونش از مزمن شدن بزهکاری در آینده جلوگیری کند. پلیس نیز در این نوع پیشگیری با مداخله در روند جامعه پذیری، تعامل با بخش های گوناگون اجتماعی و مشارکت با نهادهای ذی ربط خواهد توانست نقش قابل توجهی در پیشگیری اجتماعی (غیرکیفری) ایفا نماید (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

#### - پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی

پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی مطالعه همه جانبه برای ایجاد رفتار مطلوب، افزایش کارآمدی و کاهش بروز رفتارهای ضد اجتماعی است. رویکرد نوین این رشته به حوزه های طراحی محیطی عاطفی، روان شناختی و جامعه شناختی نیز وارد شده است.

#### سیاست های کلی سیستم قضایی و استقلال قضایی و جایگاه قوه قضائیه

قوه قضائیه به دلیل ماهیت خاص آن و مأموریت هایی که قانون بر عهده آن گذارده، شاید پرمخاطب ترین مجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. مخاطبان بالقوه دستگاه قضایی، همه آحاد ملت هستند و از این حیث مهمترین کارکرد آن، باید تأمین نیاز این مخاطب انبوه که همانا اطلاع رسانی است باشد. قوه قضائیه به دلیل ماهیت خاص آن و مأموریت هایی که قانون بر عهده آن گذارده، شاید پرمخاطب ترین مجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. مخاطبان بالقوه دستگاه قضایی، همه آحاد ملت هستند و از این حیث مهمترین کارکرد آن، باید تأمین نیاز این مخاطب انبوه که همانا اطلاع رسانی برای آنان است باشد.

#### - رویه ها و سیاست های کلی در قوه قضائیه

سنت های حسنه و رویه های ممدوحی نظیر ملاقات های بی واسطه مردم با مسئولین و عادت به التزام به پاسخگویی به مردم، ذائقه عمومی را دستخوش تغییر قرار داده و متضمن برکات فراوانی برای کشور است. تعیین و تبیین شفاف حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی و ضمانت اجرای مؤثر آنها در کنار نهادینه سازی نظام پاسخگویی فراگیر و کارآمد و استمرار در زدن بر طبل «حاکمیت قانون» یک سیاست بی هماورد و راهبردی است. گسترش و استقرار ارزش های بنیادین حکمرانی خوب با تقید به موازین اسلامی و معیارهای حقوق بشر و شهروندی نمی تواند با ساختاری ناهمگون - بی تقید به پاسخگویی و شفافیت نسبت به مردم - فاقد نظارت و سیستم های قوی کنترلی و خودپالایی حاصل گردد. اگر رویکردهای سیاسی - جناحی در فضای گفتگومانی دستگاه قضایی رواج یابد یا اصل بی طرفی به محاق رود نباید انتظار جدی نسبت به ترمیم افکار عمومی داشت. تصنع و تظاهر به مردمداری کارایی نخواهد داشت اگر تقید به پاسخگویی به مردم و ولی نعمت بودن ایشان در فضای گفتگومانی ما موج نزند؛ وجدان اجتماعی از عبارات و مواضع متخذه سازمان و روابط عمومی به یک تبادر ذهنی و قضاوت قریب به واقع نسبت به سیستم دست می یابد.

مسئول باید ادبیات خود را با مردم آنچنان که در خور شأن والای ایشان است تنظیم کند و از بکار بردن عباراتی که کرامت انسان ها را خدشه دار می کند بپرهیزد. تحمل و مدارا - صلح و عفو را جایگزین فرهنگ تخاصم و استقام و عقده گشایی کند. نه اینکه به جای پاسخگویی و حرمت نهدی به مرده مدام همایش های پرهزینه راه بیندازد و بخواهد با بیل برد تبلیغ خود را

معرفی کند که بفرموده امام علی بهترین معرف، عمل است و میدان عدالت ورزی گرچه وسیعترین ها در مقام ادعا و سخن پراکنی ولی تنگ ترین ها در عرصه عمل و اقدام است. در این راستا می توان سیاست های کلی حاکم بر سیستم قضایی را چنین بیان نمود؛

**الف) امنیت قضایی:** در بخش سیاست های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی می توان رجوع نمود و براساس آن به اهداف امنیت قضایی پی برد.

**ب) حاکمیت قانون در نظام قضایی:** برابر اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی؛ «قوه قضائیه، قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می کند.

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع

۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴. کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام

۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

**ج) استقلال قضایی و تحقق عدالت:** منظور از استقلال قضایی این است که دادرسان در صدور رای تنها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهند و توجهی به دستور ها، نظرها و خواسته های دیگران نداشته باشند از هیچ مانع و رادعی نهراسند و بیم انفصال تنزیل رتبه و مقام تغییر محل خدمت و موقعیت شغلی به خود راه ندهند. استقلال در تصمیم گیری و صدور هر نوع حکم و یا قرار، لازمه قضاوت عادلانه است که در پرتو آن، امنیت قضایی، تضمین و حقوق و آزادی های متهمان، تأمین می گردد.

استقلال در تصمیم گیری و صدور هر نوع حکم و یا قرار لازمه قضات است استقلال دادرس امنیت قضایی را تضمین می کند و در نتیجه برای حفظ حقوق و آزادی های انسان های گرفتار در چنگال عدالت پناهگاه مهمی است این استقلال باید تأمین گردد والا دادرسی مفهوم خود را از دست می دهد. استقلال نهادی لازم دارد تا قادر به انجام وظایف خود به دور از نفوذ حکومت یا دیگر عاملان دولت باشد. جنبه اساسی استقلال نهادی تأمین و تضمین بودجه کافی برای این قوه جهت نیل به اهداف عالی نظم و امنیت و عدالت است. استقلال قضایی به عنوان اصل تبعی نظریه تفکیک قوا لازمه و پیامد منطقی این اصل است.

**د) اصل بی طرفی:** اصل بی طرفی قضایی جنبه دیگر استقلال قضایی است. فقدان بیطرفی بطور ضمنی اشاره به فقدان استقلال فردی و نهادی دارد. حق بر دادرسی توسط یک دادگاه بیطرف چنان اساسی است که کمیسیون حقوق بشر اظهار نموده است که آن «یک حق مطلق (غیر مشروط) است که هیچ استثنایی را بر نمی تابد و همچنین بی طرفی دلالت دارد که قضات نباید پیش داوری هایی را درباره موضوع مطروحه در حضور آنان در سر بپروانند و اینکه آنها نباید به شیوه ای عمل کنند که منافع یکی از طرفین را ارتقاء دهند. دیوان اروپایی مقرر داشته که قضات نباید پیش پنداشت هایی درباره استحقاق های یک دعوی داشته باشند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۳).

- **وظیفه قوه قضائیه در حوزه پیشگیری از جرم**

به غیر از آنچه در قانون اساسی در مورد وظیفه پیشگیری از جرم به عهده ی قوه قضائیه نهاده شده است، در قوانین و مقررات دیگر از جمله برنامه پنجم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز تکالیفی با همکاری نهادها و سازمان های دیگر بر عهده

ی قوه قضاییه گذاشته شده است. اما متأسفانه قانونگذار آن قدر در قوانین متعدد در مورد پیشگیری به صورت پراکنده بحث کرده است که این وظیفه را تاکنون هیچ نهادی به درستی اجرا نکرده است.

حقوق شهروندی و حفظ آن از مهمترین بحث‌هایی است که امروزه در سطح حقوق داخلی و بین‌المللی مطرح است. ارزش ذاتی این مقوله در حدی است که آن را در شمار مباحث حقوق معاصر قرار داده است. حفظ و احیای حقوق شهروندی تا آنجا اهمیت دارد که رعایت نکردن و پایبند نبودن به اصول حاکم بر آن، دست یافتن به جامعه‌ای متعالی و حکومتی مردم‌سالار را دور از دسترس قرار می‌دهد. از آنجا که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه‌ی احیای حقوق افراد جامعه بر عهده‌ی قوه‌ی قضاییه است، ارتباط تنگاتنگی میان نظام قضایی کشور و وضعیت رعایت حقوق شهروندی وجود دارد. به همین دلیل قوه‌ی قضاییه برای ارتقای حقوق شهروندی ناگزیر از رفع موانع موجود درون نهادی و همچنین الزام افراد و دولت (به واسطه‌ی تقویت ضمانت‌های اجرایی) به رعایت این حقوق است.

### رفتار قضات در پیشگیری از جرم

برای تعقیب متهم و کشف جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی به چه نحو باید عمل کرد. آیا به این بهانه که شخصی مظنون و متهم است می‌توان هر نوع رفتار و برخوردی را علیه او اعمال کرد و حقوق شهروندی او را نادیده گرفت؟ پیچیده‌ترین و حساسترین مرحله دادرسی مرحله کشف جرم است. «برخلاف مراحل دیگر دادرسی کیفری که بیشتر بار حقوقی دارد این مرحله عمدتاً بار روانی دارد. نمی‌توان کشف جرم و حقوق متهم را بدون پیوند عمیق با جنبه‌های روانی مورد بحث قرار داد، بلکه اساساً فلسفه حقوق شهروندی متهم در مرحله کشف جرم جنبه‌های روان شناختی دارد» در این مرحله است که سرنوشت قضایی متهم، را مشخص می‌گردد. به گونه‌ای که ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند. بنابراین به طور واضح و روشن می‌توان گفت در صورتی که قضات در مرحله کشف جرم و تحقیقات وظیفه خود را با وجدان کاری، قانونمداری و سلامت کاری انجام دهد از حقوق شهروندی متهم، بزه دیده و افراد جامعه حمایت کرده است. زیرا نتیجه دادرسی عادلانه و موفق براساس صحت عمل و سلامت کاری قضات صورت می‌گیرد.

رعایت حقوق شهروندی مردم از سوی قضات دادگاه از بدیهیات سیستم عدالت کیفری است؛ زیرا نتیجه انجام وظایف قاضی و صدور رای برای مجازات مجرمین و اصلاح و بازپروری آنان چیزی جز تحقق حقوق شهروندی افراد جامعه نمی‌تواند باشد. در راستای رعایت حقوق شهروندی توسط قضات، در سالهای اخیر اقداماتی مفید و مؤثر توسط قوه قضاییه صورت گرفته و ستاد صیانت از حقوق شهروندی در این قوه تشکیل گردیده است. برنامه ریزی جهت نظارت بر فرآیندها، برنامه‌ها و ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و نهادها در زمینه نظم و امنیت عمومی و حقوق شهروندی از وظایف ستاد صیانت از حقوق شهروندی است. در ماده ۱۵ قانون حفظ آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی، تشکیل هیاتی که نظارت بر حسن اجرای مواد این قانون را بر عهده داشته باشد، پیش بینی شده است. این هیات که هیات عالی نظارت قوه قضاییه نامیده شده توسط رئیس قوه قضاییه تشکیل گردیده است. تمام دستگاه‌هایی که در ارتباط با قانون حفظ آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی قرار می‌گیرند، باید با این هیات همکاری نمایند. این هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر همکاری در اصلاح روش‌ها و انطباق آنها با مقررات با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی کرده و نتیجه اقدامات را به رئیس قوه قضاییه گزارش نمایند. بنابراین نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر عهده هیات عالی نظارت قوه قضاییه گذاشته شده است. این هیات دارای وظایف و اختیارات متنوعی است. از جمله اختیار دارد نسبت به انتشار عکس و هویت نقض‌کنندگان حقوق شهروندی پس از قطعیت یافتن احکام آنان در رسانه‌های گروهی، جرائد کثیرالانتشار و پایگاه اطلاع‌رسانی اقدام کند. با وجود این، اخبار مربوط به



اقدامات این هیات محدود است. البته باید نقش دادستان را نیز در خصوص رعایت حقوق شهروندان مورد توجه قرار داد؛ زیرا تشکیل هیاتهای نظارت و بازرسی بر حقوق شهروندی مانع وظایف دادستان های عمومی، انقلاب و نظامی از حیث نظارت بر عملکرد ضابطان و قضات نیست.

مبانی اخلاق قضایی شامل اصل استقلال و بی طرفی است. «اصولاً استقلال قضایی یک موضوع تشکیلاتی و ساختاری و به صورتی که باید توسط قانون اساسی و سایر قوانین هر جامعه ی مشخص و تضمین گردد، درک و فهم شده است. با وجود این، استقلال قضایی دارای بعد و جنبه دیگری نیز هست که اصولاً به شخص قاضی و استقلال فردی او برمی گردد. جنبه اول استقلال قضایی که از آن تحت عنوان استقلال نهادی یاد می شود، مستقیماً ناظر به اصل تفکیک قوا است. بنابراین هرگونه مداخله و تأثیرگذاری غیرمجاز توسط سایر ارگان های دولتی بر قوه ی قضائیه، استقلال وی را خدشه دار می کند. نقطه و کانون مرکزی توجه استقلال نهادی، جلوگیری از مداخله خارجی در امور قوه قضائیه است. استقلال فردی به قضات امکان مستقل بودن از مداخله نیروهای خارجی و داخلی را اعطا می کند. مداخله و تأثیرگذاری داخلی بر قضات ممکن است توسط سایر اعضای قوه قضائیه صورت گرفته و در نتیجه استقلال فردی قضات را با خطر مواجه نمایند. در ارتباط با اخلاق قضایی، موضوع استقلال فردی قضات بیشتر از استقلال نهادی مورد توجه می باشد و به عبارت دیگر، استقلال فردی قضات بیش از استقلال نهادی با موضوع اخلاق قضایی مرتبط می باشد» (رودار، ۱۳۷۲). البته هر دو جنبه استقلال قضایی دارای اهمیت است. در ایران طبق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه ی امر و امامت امت بر طبق اصول آینده ی این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند. «اگر قوه ی قضائیه ملزم به دریافت دستورهای الزام آور از قوه ی مجریه یا قوه ی مقننه گردد و مجبور به اجرای آن هم باشد، دیگر قوه ی مستقلی تلقی نخواهد شد» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳). اصل ۱۵۳ ق.ا اشاره می دارد که قوه ی قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایفی است. بنابراین «استقلال فردی حق یا امتیاز ویژه ای برای قاضی و فعالیت قضایی نیست. این مسئولیتی است که بر ذمه هر قاضی جهت توانا کردن او برای حل و فصل اختلافات و رسیدگی شرافتمندانه و بی طرفانه به دعوی قرار گرفته است تا با در نظر داشت قانون و مدارک و بدون فشار یا تأثیر خارجی و ترس از دخالت دیگران به وظایف خود عمل نماید».

«بی طرفی قضات دارای اهمیت کمتری نیست. صرف نظر از استقلال قضایی، موضوع بی طرفی مربوط به حالت ذهنی قضایی نسبت به طرفین دعوا است». قضات باید در بررسی هر اختلاف و دعوی حقوقی بیطرفی را رعایت نمایند. «اصل تساوی به نحو نزدیکی با موضوع بی طرفی مرتبط می باشد. یک قاضی بی طرف با مردم در شرایط مشابه به نحوی یکسان رفتار می کند و صرفاً زمانی قائل به استثناء می گردد که قانون اساسی اجازه آن را صادر کرده باشد. به همین دلیل سایر قواعد و مقررات سلوک قضات با این دو اصل بنیادین مرتبط می باشند» (رودار، ۱۳۷۲). هرگاه قاضی بر اساس دلایل موجه مطمئن گردد که بنا بر فشار ناگزیر اجتناب نمی تواند در رسیدگی به یک قضیه بی طرفانه و عادلانه عمل نماید، باید از رسیدگی به آن امتناع نماید و در صورتی که قادر نباشد یک موضوع را بی طرفانه، فیصله نماید از رسیدگی به آن موضوع خودداری کند. اصل بی طرفی قاضی، را ملزم به آن می نماید که بدون هرگونه جانبداری اقدام به رسیدگی به قضایا در محکمه نماید. قضات باید نسبت به هر دو طرف دعوی ذهنیت یکسانی داشته باشند و در رسیدگی به دعوی، بر اساس واقعیت ها و مطابق قانون عمل نمایند. با توجه به اینکه بی طرفی ناظر به حالت ذهنی شخص قاضی است، تشخیص آن آسان نیست و در مواردی که قاضی با ذهنیت جانبدارانه ای قضاوت می کند نیز آشکار نخواهد بود. «به منظور ارزیابی میزان بی طرفی، از یک سو باید به بررسی بی طرفی ذهنی و از سوی دیگر به بررسی بی طرفی عینی پرداخت. بی طرفی ذهنی ناظر به جایگاه طرفین دعوی در نزد محکمه و استنباط آنها از بی طرفی محکمه می باشد. بی طرفی عینی ناظر به این موضوع است که آیا دلایلی حاکی از اثبات جانبدارانه بودن عملکرد قاضی در محکمه وجود دارد. این امر بر عهده طرفین دعوی در محکمه است که عدم بی

طرفی قاضی یا محکمه را به به چالش کشیده، درباره آن بحث و جدل نمایند. به همین خاطر امروزه در راستای همین رویکرد، کشورهای مختلف، مقررات متعددی را وضع نموده اند که به موجب آنها یک قاضی در موارد و اوضاع و احوال خاص بی طرف تلقی نمی گردد.

از سوی دیگر، نظر به اینکه بی طرفی انعکاسی از شرایط و حالات ذهنی یک قاضی است، وی باید از رسیدگی به یک قضیه در صورت احساس عدم امکان رعایت بی طرفی، صرف نظر از امکان اعتراض طرفین دعوی خودداری نماید. در این رابطه اصول بنگلور مقرر می دارد: « در صورتی که قاضی توانمندی فیصله بی طرفانه در یک موضوع را نداشته باشد یا نزد یک ناظر منصف طوری وانمود شود که قاضی از فیصله بی طرفانه در موضوع متذکره عاجز می باشد از رسیدگی به آن خودداری می نماید».

امروزه در تمام کشورها یکی از اصول دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعوای بزه دیده در زمان متناسب و معقول است. بزه دیده که با وقوع جرم آسیب دیده و تواناییاش برای ادامه زندگی دشوار گردیده باید بتواند در زمان مناسبی خسارتهایش را جبران شده ببیند و از لحاظ روحی و روانی باید به وضعیت قبل از بزه دیدگی اش برگردد. هر اندازه محاکمه بزهکار و رسیدگی به ضرر و زیان بزه دیده طول بکشد به همان میزان آسیب های وارده به بزه دیده تشدید خواهد شد. ضمن اینکه بزهکاری که دستگاه عدالت کیفری را ناتوان از تعقیب خویش ببیند نسبت به ارتکاب دوباره بزهکاری تشویق خواهد شد و همواره تهدیدی برای شهروندان محسوب می شود. بنابراین باید از اطلاع دادرسی اجتناب شود. زیرا چنین امری در افزایش صدمات مادی و معنوی بزه دیده و حتی در تحریک وی جهت انتقام خصوصی موثر خواهد بود. اصولاً به هر میزانی که در احقاق حقوق بزه دیده تسریع شود از مقدار تحقیر و تنزیل اجتماعی او کاسته می شود. بنابراین دستگاه عدالت کیفری برای صیانت از نظم و امنیت فردی و عمومی جامعه باید در زمان مناسب و معقولی بزهکار را شناسایی، تعقیب و محاکمه نماید و از این طریق آسیب های بزه دیده را ترمیم نماید.

مقامات قضایی در مرحله تعقیب نیز مکلفند به سرعت و در زمان معقول و متناسب نسبت به دریافت شکایت بزه دیده اقدام نمایند. در این راستا، اکنون در اکثر نقاط کشور دادرسی کشیک به طور شبانه روزی انجام وظیفه می نماید و در تمامی ساعات شبانه روز و حتی روزهای تعطیل در موارد فوری شکایات بزه دیدگان را دریافت و تحقیقات مقدماتی را آغاز می نمایند. در ماده ۶۱ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است: «تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی شود». نکته دیگر اینکه، یکی از اهداف احضار و جلب متهم اصل تسریع در رسیدگی قضایی است و از اهداف صدور قرار تأمین برای متهم نیز رسیدگی در زمان مناسب است. حتی در جرائم قابل گذشت که فقط با شکایت بزه دیده آغاز می شود در مواردی اصل تسریع در تحقیقات مقدماتی اقتضاء می کند که راساً مقام قضایی مداخله نماید.

### نتیجه گیری

بدون شک چالش ها و چشم اندازهای حوزه پیشگیری و مقابله با جرم فراوان بوده و حل مسائل و مشکلات این حوزه به راحتی امکان پذیر نیست. عدم توجه به اهمیت مقوله پیشگیری از جرم و تاکید بر برخورد های کیفری و پلیسی موجب پیچیده و پرهزینه شدن مقابله با جرم شده است.

به منظور کاهش و کنترل میزان جرایم، توجه همزمان به پیشگیری کیفری، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی غیر قابل اجتناب بوده و با ادغام و اجرای همزمان انواع مختلف پیشگیری تا حدود زیادی می توان به پیشگیری و مقابله با جرم امیدوار بود. در این میان بزرگ ترین چالش حوزه پیشگیری و مقابله با جرم را می توان وجود مراکز متعدد مسئول در این زمینه دانست که همین کثرت مانع اصلی هماهنگی و تدوین سیاستی جامع در این حوزه می باشد. البته در صورت وجود هماهنگی،

وجود مراکز مختلف در حوزه های گوناگون می تواند خود به عنوان یک فرصت تلقی شود، ولی متأسفانه در کشور ما به دلیل عدم وجود همکاری و هماهنگی لازم میان سازمان های مسئول، این فرصت در حوزه های مختلف از جمله حوزه پیشگیری و مقابله با جرم به یک تهدید تبدیل شده است. با توجه به ادامه روند موجود چشم انداز حوزه پیشگیری و مقابله با جرم چندان امیدوارکننده به نظر نمی رسد و در صورت عدم توجه جدی مسئولین به این مقوله چالشی اساسی پیش روی امنیت ملی در دو بعد داخلی و خارجی وجود داشته که اعتبار و اقتدار کشور را مورد تهدید قرار می دهد.

امروزه در ایران شاهد توجه بیشتر به بزه دیدگان هستیم. نتایج نشان داد در قانون اساسی ظرفیت های گسترده ای برای حمایت از بزه دیدگان وضع نموده اند و در قوانین عادی نیز به ویژه قانون آئین دادرسی کیفری نسبت به قوانین قبلی موقعیت و حمایت بهتری را برای بزه دیدگان ایجاد نموده است. نهادهای سیستم عدالت کیفری خدمات شایان توجهی را در جهت حمایت از بزه دیدگان ارائه نموده اند. نقش رویه قضایی در سالهای اخیر در جهت حمایت از بزه دیدگان شامل رسیدگی به درخواست ضرر و زیان، پذیرش خسارت زائد بر دیه و... حائز اهمیت است. آسیب های نارسایی در دادرسی قضایی محدود به بزه دیدگان نمی شود و نهادهای عدالت کیفری را هم در بر می گیرد. این نهادها به شدت در معرض جرائم شغلی و فساد اداری قرار خواهند گرفت و ممکن است جرایمی مانند ارتشاء، اختلاس، تبانی و... انجام دهند. رعایت حقوق شهروندی و دادخواهی عادلانه موجب ارتقای اخلاق جامعه و سلامت اداری- قضایی در سطح نهادهای عدالت کیفری (قضات) خواهد شد.

در خصوص متهمان و مجرمان نیز هر گونه شکنجه برای اخذ اقرار یا کسب اطلاع ممنوع بوده و اقرار و شهادت و سوگند ناشی از اجبار فاقد هر گونه اعتباری تلقی می شود و هتک حرمت و حیثیت افرادی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و یا تبعید شده اند ممنوع و مستوجب مجازات شناخته شده است. نهادهای دستگاه عدالت کیفری (پلیس و قضات) باید این حقوق و آزادیها را در تمام مراحل رسیدگی به جرم مراعات نمایند تا ضمن حفظ کرامت انسانی و رعایت عدالت زمینه تکامل و رشد دستگاه عدالت کیفری را فراهم کنند.

### منابع

بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (۱۳۸۷)، پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد اجتماعی محور، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.

پیکا، ژرژ (۱۳۷۶)، ترجمه عزیز طوسی، پیشگیری از جرایم شهرنشینی، شماره دوم، تهران.

جمشیدی، شهرام؛ ترزومی نژاد، وحیده (۱۳۹۳)، نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت

رجبی پور، محمود (۱۳۸۲)، درآمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم. رودار تیلمن، رهنمود ماکس پلانک (۱۳۷۲)، برای اخلاق قضایی در افغانستان، ترجمه دکتر حسین غلامی، ویرایش یکم. پاییز. زینالی، حمزه (۱۳۸۱)، پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ششم، تهران.

شاکری، ابوالحسن (۱۳۸۲)، قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، تهران.

فرازمرز قراملکی، احد (۱۳۸۶)، اخلاق حرفه ای در تمدن ایران و اسلام، انتشارات تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.

کی نیا، مهدی (۱۳۷۳)، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.

میرخلیلی، سید محمود (۱۳۷۸)، رساله تحقیقاتی پیشگیری از بزهکاری، قم، مجتمع آموزش عالی  
میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم، تهران  
نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، زندان درمانگاه بزهکاری و بزهکاران، چاپ پنجم.  
نجفی توانا، علی (۱۳۸۴)، جرم شناسی، تهران، نشر آموزش و سنجش، چاپ سوم  
هیوز، گوردون (۱۳۸۰)، ترجمه علیرضا کلدی، محمدتقی جغتایی، پیشگیری از جرم (کنترل اجتماعی، ریسک و مدرنیته اخیر)،  
تهران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور.

Clark, r. (1997) situational crime prevention: successful case studies. New York: harrow and heston.

Rock, p. (1989), new directions in criminological Theory, social studies review (1, 5: 2-6).